

چرا یک نفر باید 35 شغل داشته باشد؟



«مگر در کشور ما قحطالرجال است که بعضی‌ها باید ابوالمشاغل باشند و عده‌ای بی‌کار و خانه‌نشین؟! به استعدادها میدان بدهید و اختلاف سلیقه‌ها را مانع حضور افراد واجد شرایط در مسئولیت‌ها ندانید و اجازه ندهید این همه ثروت انسانی به هدر برود و کشور درجا بزند.»



روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود نوشت: «وقتی دشمن حمله می‌کند و اساس را هدف می‌گیرد، برای کسی تردیدی باقی نمی‌ماند که باید با چنین جریانی مرزبندی روشنی داشته باشد.»

مردم ایران اگر این روزها متحد و منسجم به صحنه آمده و علیه اغتشاشگران تظاهرات و راهپیمایی می‌کنند، به همین دلیل است. مردم هرگز حاضر نیستند به بهانه مشکلات اقتصادی و حتی سیاسی دست به اغتشاش بزنند و کشور را ناامن کنند. حمایت‌های پیاپی آمریکا، رژیم صهیونیستی، آل سعود، منافقین، سلطنت‌طلب‌ها و سایر فراریان ضد انقلاب از اغتشاشگران هم به شفاف‌تر شدن اوضاع کمک کرد و مرزبندی‌ها مشخص‌تر شد. اکنون، جبهه متحد مردمی که در برابر اغتشاشگران و حامیان آنها قرار گرفته کاملاً فراگیر است و تمام سلايق سیاسی و احزاب و جمعیت‌ها و گروه‌ها و فعالان سیاسی را دربرمی‌گیرد. این وحدت کلمه را که دشمنان نادان به وجود آورده‌اند باید قدر دانست و از آن باید حفاظت کرد.

توطئه اغتشاشگران رو به زوال است و آن چه در این مقطع باید مورد توجه مسئولان نظام و فعالان سیاسی قرار گیرد، این است که روزهای خوب همبستگی و همدلی را فراموش نکنند و به این واقعیت بیاندیشند که آن چه دشمنان خارجی و سرانگشتان داخلی آنها را برای این توطئه به هوس آورد، اشتباهات فراوان و مکرری بود که ما مرتکب شدیم. دشمنان، گرفتار اشتباه محاسبه شدند و فکر کردند اختلافها، مشکلات، انحصارطلبیها و یکسویه رفتنهای کسانی که قدرت را در اختیار دارند، زمینه را برای به صحنه آمدن با هدف براندازی فراهم ساخته است و اگر وارد عمل شوند می‌توانند به هدف شومشان برسند. اگر بعد از ناکام شدن توطئه‌گران، در روش‌های گذشته تجدید نظر کنیم و از تکرار اشتباهات گذشته پرهیز نمائیم، نظام جمهوری اسلامی را از گزند مصون خواهیم ساخت ولی اگر عبرت نگیریم و پیروزی بر اغتشاشگران، ما را مغرور کند و به تشدید اشتباهاتمان وادارد، باید بپذیریم که دشمن همیشه در کمین بار دیگر خواهد آمد ولی در آن زمان شاید تضمینی برای پیروزی ما و شکست دشمن وجود نداشته باشد.

اشتباهات ما زیادند ولی لازم است در این مجال به چند مورد از مهم‌ترین‌های آنها اشاره کنیم:

- در مسئولیت دادن‌ها چرخش نخبگان نداریم. هر وقت حکمی از رسانه‌ها خوانده و دیده و شنیده می‌شود که به موجب آن کسی مسئول دستگاه یا جایی یا کاری می‌شود، در یک دایره محدود چند نفره است. این وضع اسفبار به جایی رسیده که بعضی افراد هم‌اکنون که میلیون‌ها نفر در این کشور بی‌کارند، بیش از ۳۵ مسئولیت دارند به طوری که اگر از خودشان درباره تعداد مشاغلشان سوال شود قادر به شمارش آنها نیستند! مگر در کشور ما قحطالرجال است که بعضی‌ها باید ابوالمشاغل باشند و عده‌ای بی‌کار و خانه‌نشین؟! به استعدادها میدان بدهید و اختلاف سلیقه‌ها را مانع حضور افراد واجد شرایط در مسئولیت‌ها ندانید و اجازه ندهید این همه ثروت انسانی به هدر برود و کشور درجا بزند.

- بسیار دیده می‌شود افرادی که زندگی پائین‌تر از متوسط دارند، یکسویه میلیاردر می‌شوند و با خودروهایی چند صد میلیونی و خانه‌های چند ده میلیاردی بالای شهر مانور اشرافیت می‌دهند. این، یعنی اقتصاد ما افسارگسیخته است و هیچ حساب و کتابی در کار نیست. یا این وضعیت، هر قدر شعارهای زیبای اقتصادی بدهیم چیزی درست نمی‌شود. باید برای جلوگیری از پدید آمدن طبقه اشراف که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود و به همین نسبت فقر و بیکاری رشد می‌کند، اقدامی اساسی کرد. یک روز قشیر ضعیف انقلاب کردند و حضرات را به قدرت رساندند و باید ترسید از روزی که همین فقرا و بیکارها آنها را از اریکه قدرت به پائین بکشند.

- اظهار نظر کردن که شغل و نان و آب نیست تا شما آن را به کسانی که دوست دارید بدهید. چرا کارشناسان شما در صداوسیما به چند نفر که فقط طبق میل شما حرف می‌زنند منحصر و محدود شده؟ این همه صاحب نظر داریم که حرف حساب دارند و با دنیا آشنا هستند ولی به دلیل این که حرفی را که می‌فهمند، می‌زنند نه آنچه شما دوست دارید، هرگز برای نظر دادن دعوت نمی‌شوند. می‌دانید وقتی اظهار نظرها یک طرفه شود چه فاجعه‌ای برای آزاداندیشی رخ می‌دهد؟ می‌دانید وقتی حرف‌ها در سینه‌ها حبس شود چه اتفاقی می‌افتد؟

- تقسیم شغل‌ها قرار بود بر اساس شایسته‌سالاری باشد. این، شعار محوری انقلاب و تمام دولت‌ها بود و هست، ولی آیا به آن عمل می‌شود؟ با قاطعیت اعلام می‌کنیم پاسخ منفی است.

اصطلاح «ژن خوب» اخیراً کار را آسان کرده و در زمینه رسیدن به شغل و پول و پست و مقام به راحتی می‌توان با به کار گیری همین اصطلاح تمام مطلب را رساند. فلان آقا که مدیر کل است و فلان آقا که در فلان وزارتخانه یا دستگاه دولتی یا نهاد انقلابی مشغول کار است، آیا بر اساس شایستگی به آن شغل رسیده یا چون ژن خوب دارد، آنجاست؟ نظام جمهوری اسلامی وقتی می‌تواند اسلامی باشد که در همه زمینه‌ها قاعده شایسته‌سالاری را رعایت کند.

- عدالت قضایی چقدر در جامعه ما جریان دارد؟ این که کسی با اغراض سیاسی و قدرت‌طلبی درصدد

---

هدف قرار دادن مسئولین قضایی کشور باشد، مطلب دیگری است اما آیا مردم در محاکم قضایی مشکلی ندارند؟ پرونده‌ها به سرعت و با عدالت مورد رسیدگی قرار می‌گیرند؟ حساب قضات شریف و پاکدامن جداست ولی آیا عده‌ای عامل ناراضی‌تراشی نیستند؟ آیا می‌دانید اگر دستگاه قضایی به درستی کار کند، کشور به سوی درستی و فسادزدایی به پیش خواهد رفت؟ برای رسیدن به این هدف، چقدر تلاش می‌شود؟

- شعار وحدت می‌دهیم، هفته وحدت برگزار می‌کنیم و از دشمن مشترک بیرونی حرف می‌زنیم ولی برای جذب نیروهایی که با ما اختلاف سلیقه دارند چه اقدامی کرده‌ایم؟ پیامبر اکرم بعد از فتح مکه حتی به مشرکین امان دادند و فرمودند خانه ابوسفیان پناهگاه آنها باشد. ما با نیروهای انقلابی که در جایی اعتراض یا انتقاد دارند نه تنها چنین رفتاری نمی‌کنیم بلکه حقوق شهروندی معمولی را هم از آنها دریغ می‌ورزیم.

- تاسف‌بارتر این که خود را اسلام و رقبای مسلمان خود را دشمنان اسلام می‌پنداریم و می‌گوییم اگر مردم به آنها رای بدهند، اسلام از بین می‌رود و ما هر طور شده نباید بگذاریم چنین اتفاقی بیفتد! این «خود اسلام‌پنداری» از سایر مشکلات، خطرناک‌تر و حتی ریشه بقیه مشکلات است. باید برای تصحیح این اشتباهات اقدام جدی کنیم تا بقاء نظام جمهوری اسلامی تضمین شود والا هیچ تضمینی وجود ندارد که توطئه‌ای که امروز شکست خورد فردا به شکل دیگری سربرنیآورد.»